



دکتر فاطمی پس از ترور توسط فدائیان اسلام



دکتر فاطمی در اسارت کودتاجیان



## نوزده آبان سالروز شهادت دکتر حسین فاطمی

### سردار بزرگ نهضت ملی و ضد استعماری ایران

" اگر ملی شدن صنعت نفت خدمت بزرگی است که به مملکت شده باید از آن کسی که اول این پیشنهاد را نمود سپاسگزاری کرد و آن کس شهید راه وطن دکتر حسین فاطمی است. "

"دکتر مصدق"

سحرگاه روز چهارشنبه نوزده آبانماه یکهزار و سیصد و سی و سه خورشیدی دکتر حسین فاطمی روزنامه نگار مبارز و آزاد یخواه و وزیر امور خارجه دولت ملی دکتر مصدق پیشوای نهضت ملی و ضد استعماری ایران، در حالی که سخت بیمار بود برای جلب رضایت دولتمردان "بریتانیای کبیر" در میدان تیر لشکر 2 زرهی به جوخه اعدام سپرده شد.

دکتر فاطمی مبارزی بود نستوه که به آزادی ایمان داشت ، مبارزی بود علیه استعمار و استعمارگران که هرگونه تسلط امپریالیسم را محکوم می کرد .

دکتر فاطمی می گفت : " ملت ما برای حفظ و استقلال و حاکمیت خود با هر دولت خارجی که بخواهد در امور ایران مداخله نماید نمی تواند سر سازش داشته باشد و با هر نوع استعماری بهر رنگ و عنوان و نامی خواه سیاه خواه سرخ مبارزه می کند و در این مبارزه جز کوتاه ساختن دست ابادی اجنبی در امور داخلی ایران هیچ غرضی و قصدی ندارد . ما تصمیم گرفته ایم در خانه خودمان آزاد و از هر تعدی و تجاوز و دخالت بیگانه ایمن و راحت باشیم . برای ایرانی هر خارجی خارجی است و فرقی بین استعمار روسی و انگلیسی و آمریکائی نمی گذارد. " 1\_

پیش از اعدام دکتر فاطمی خطاب به سر تیپ آزموده ، سلف جلادان خون آشامی چون خلخالی ، ری شهری ، گیلانی و... چنین گفت :

" آقای آزموده ، مرگ حق است و من از مرگ ابائی ندارم آن هم چنین مرگ پرافتخاری . من می میرم که نسل جوان ایران از مرگ من درس عبرت بگیرد و با خون خود از آزادی و وطنش دفاع کند و نگذارد جاسوسان اجنبی بر این کشور حکومت کنند . من درهای سفارت . انگلیس را بستم غافل از اینکه تا دربار هست انگلستان نیازی به سفارت ندارد . "

صدق گفتار این جانباخته راه آزادی و سر بلندی ایران ، کتاب خاطرات سر دنیس رایت کاردار سفارت انگلیس در ایران است وی در خاطرات خود چنین می نویسد :

" اعدام دکتر فاطمی وزیر خارجه دکتر مصدق بمن آرامش داد زیرا دیگر کسی جرأت نخواهد کرد چنان خشم آلود پنجه بر چهره سیاست امپراتوری انگلیس بزند "

با توشیح حکم اعدام دکتر فاطمی ، "پادشاه اسلام پناه" توانست خشنودی دولت فخریه بریتانیا را فراهم نماید و با

وابستگی سیاسی و اختناق در ایران و اعدام و زندانی نمودن صدها مبارز راه آزادی، کشور ما را به چنین روز سیاه و فاجعه انگیزی بکشاند که امروزه همه شاهد آنیم.

دکتر فاطمی با پیشنهاد ملی کردن صنعت نفت کینه و دشمنی دولتمردان انگلستان را علیه خود برانگیخت تا آنجا که هدف تیر پسرک نو جوانی که از سوی گروهک فدائیان اسلام مغز شوئی شده بود، قرار گرفت و سخت مجروح گردید. در زمان تصدی وزارت امور خارجه مسئولیت قطع روابط سیاسی با دولت انگلستان را به عهده گرفت و در عرض بیست و چهار ساعت در های سفارت و کنسولگری های انگلستان رابست و اعضای سفارت را از ایران اخراج نمود با این اقدام ضد استعماری خود کینه و خشم سیاستمداران انگلیسی را علیه خود چند برابر نمود تا جایی که جیره خواران بیگانه هنوز که هنوز است از شنیدن نام پر افتخار دکتر فاطمی به هراس افتاده و جهت خوش رقصی پیش اربابان خود هر نوع پیراه و انگلی را به او می چسبانند.

در شب کودتای نافرجام بیست و پنج مرداد، توسط سربازان گارد شاهنشاهی به نحو اهانت آمیزی بازداشت و به کاخ سعدآباد برده شد ولی باشکست کودتا فردای آن شب از اسارت آزاد و درمتینگی که بعد از ظهر همان روز در میدان بهارستان برگزار گردید شرکت نمود و طی سخنرانی هیجان انگیز و تاریخی خود پرده از روی توطئه های بیگانگان و عوامل داخلی برداشت و دشمنان ایران و ایرانی را پیش از پیش به مردم شناساند.

پس از کودتای ننگین بیست و هشت مرداد دکتر فاطمی به زندگی مخفی رو آورد ولی در ششم اسفندماه همان سال محل مخفی وی شناسائی شد و توسط سرگرد مولوی مامور فرماندار نظامی دستگیر گردید نخست به کاخ شاه و سپس به دفتر سرتیپ تیمور بختیار واقع در ساختمان شهرداری کل کشور برده شد. ضمن خروج از ساختمان شهرداری در حالی که در محاصره ماموران مسلح فرمانداری نظامی قرار داشت، در اجرای فرمان! مورد هجوم اوپاش و چاقوکشان حکومتی به سرکردگی شعبان بی مخ قرار گرفت ولی خواهر آن شهید بزرگوار که از دستگیری برادرش آگاهی یافته بود با شتاب خود را به جلوی شهرداری رسانیده و با دیدن هجوم اوپاش جیره خوار درباری با شهادت کم نظیر خود را به روی برادرش انداخت و مانع ضربات بیشتری شد. فداکاری کم نظیر این شیرزن دلاور موجب گردید تا اوپاشان حکومتی تنها موفق به مجروح کردن دکتر فاطمی بشوند. آن شهید راه آزادی ایران زمین تا زمان اجرای حکم اعدام، با بدنی مجروح و در شرایط سخت و توان فرسا، نه ماه تمام در زندان بسر برد و در تمام این مدت به رغم جسم بیمارودرد های شدید ناشی از زخمهای بجا مانده از دشنه چاقوکشان حکومتی، روحیه بسیار قوی و تسلیم ناپذیری داشت.



راد مردانی که در روزهای سیاه، پنجه در پنجه دیو استبداد و ارتجاع افکنده اند و زندان و شکنجه در برابر ایمان تزلزل ناپذیرشان بسیار ناچیز بوده است همواره دکتر فاطمی آن دلاورمرد تاریخ ایران زمین را بیاد می آورند که مرگ را بر خیانت به نهضت ملی ایران و پیشوای بزرگ آن ترجیح داد و در لحظات پایان عمر از آخرین رمق حیات خود کمک گرفت و از ته دل فریاد برآورد:

## پاینده ایران زنده باد مصدق

مهران ادیب